

## معرفت‌شناختی طب در قرآن؛ از تجربه‌گرایی حسی تا الهام الهی

زینب درویشی\*

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بازخوانی مبانی معرفت‌شناختی علم طب از منظر قرآن کریم، به بررسی نسبت میان تجربه‌گرایی حسی و الهام الهی در فرآیند شناخت پزشکی می‌پردازد. در جهان معاصر، طب عمدتاً بر بنیان تجربه‌گرایی و مشاهده حسی استوار است و اعتبار معرفتی خود را از داده‌های تجربی می‌گیرد؛ حال آن‌که قرآن کریم با ارائه تصویری توحیدی از جهان و انسان، منشأ شناخت را محدود به حواس ظاهری نمی‌داند و ساحت‌های برتر ادراک، مانند عقل، قلب و الهام ربانی را نیز در مسیر کشف حقیقت مؤثر می‌داند. از این رو، معرفت پزشکی در نگرش قرآنی نه صرفاً دانشی تجربی، بلکه فرآیندی چندسطحی است که در پیوند با هدایت الهی و معرفت توحیدی معنا می‌یابد. روش پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی و با استفاده از تحلیل مفهومی آیات مرتبط با شناخت، شفا و الهام (مانند نحل: ۶۸، شعراء: ۸۰، علق: ۴ - ۵ و انفال: ۲۹) انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در منظومه معرفتی قرآن، حس ابزار آغازین شناخت است، اما اعتبار نهایی معرفت وابسته به هدایت و تصحیح الهی است. نوآوری این مقاله در ارائه «مدل سه‌سطحی معرفت پزشکی قرآنی» است که شامل: ۱. تجربه حسی و مشاهده طبیعی، ۲. تعقل و تحلیل مفهومی و ۳. الهام و اشراق ربانی می‌شود. این مدل می‌تواند مبنایی نظری برای تکوین «طب دینی» و بازتعریف جایگاه انسان در فرآیند درمان، در پرتو پیوند عقل و وحی فراهم آورد.

**کلیدواژه‌ها:** تجربه‌گرایی، طب قرآنی، عقل و قلب، معرفت‌شناسی، الهام الهی.

\*نویسنده مسئول، استادیار گروه معارف اسلامی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی اهواز، ایران. zinab455@iau.ac.ir

## ۱. مقدمه

در روزگار معاصر، علم طب به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های معرفت تجربی بشر، بیش از هر شاخه دیگر علم به تجربه حسی، مشاهده و آزمون متکی است. در معرفت‌شناسی مدرن، تجربه‌گرایی بنیان اعتبار معرفتی علوم تجربی، از جمله پزشکی، تلقی می‌شود و هرگونه شناخت فراتر از حس و تجربه عینی، از دایره علم معتبر خارج دانسته می‌شود (لاک، ۱۶۹۰: ص ۲۵-۲۶؛ هیوم، ۱۷۴۸: صص ۳۲-۳۸). این نگرش که از قرن هفدهم میلادی با فلسفه تجربی غرب تثبیت شد، به‌تدریج بر نظام آموزشی و پژوهشی پزشکی نیز حاکم گردید و پزشکی را در چارچوبی صرفاً مادی و حسی محدود ساخت (کاپرا، ۱۹۹۶: ص ۴۵-۵۰). پیامد این رویکرد، غفلت از ابعاد غیرمادی انسان و حذف نقش عقل، قلب و الهام الهی از فرآیند شناخت و درمان بود.

در مقابل، قرآن کریم تصویری گسترده‌تر و چندساحتی از معرفت ارائه می‌دهد. از دیدگاه قرآن، انسان موجودی مرکب از جسم و روح است و شناخت او از جهان و خویشتن، تنها با حواس ظاهری حاصل نمی‌شود؛ بلکه مراتب دیگری از ادراک، همچون تعقل، تدبیر، ایمان و الهام نیز در فرآیند معرفت دخیل‌اند (مطهری، ۱۳۷۴: ج ۶، صص ۲۱۱-۲۱۸؛ طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۲، ص ۴۵). آیات متعددی بر این حقیقت تأکید دارند؛ از جمله آیه «وَ اللَّهُ أَعْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْبُصَارَ وَ الْإِنْفِیدَهُ» (نحل: ۷۸) که نشان می‌دهد ادراک حسی در کنار ادراک قلبی، دو ساحت مکمل شناخت انسان‌اند (طباطبایی، المیزان، ج ۱۲: ص ۴۵). همچنین در آیه «وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّجْلِ» (نحل: ۶۸)، الهام به‌عنوان نوعی از هدایت غریزی و ربانی مطرح می‌شود که می‌تواند به شناخت و نظم در رفتار موجودات زنده منجر شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ص ۵۳۸). بر این اساس، معرفت‌شناسی قرآنی نگاهی جامع و توحیدی به دانش دارد و

علم طب را نه صرفاً دانشی تجربی، بلکه دانشی الهی-انسانی می‌داند که در پرتو هدایت الهی معنا می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ج ۲، صص ۱۲۱-۱۲۶). در چنین دستگاہی، تجربه حسی آغاز راه شناخت است، اما کفایت معرفتی ندارد مگر آن‌که به هدایت عقل و نور الهی پیوند یابد. از این رو، قرآن نه تنها تجربه را نفی نمی‌کند، بلکه آن را در چارچوب توحیدی هدایت می‌نماید و از علم پزشکی می‌خواهد تا از محدودیت‌های صرف مادی‌گرایانه فراتر رود (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ص ۱۳۰).

مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا می‌توان بر پایه آموزه‌های قرآنی، الگوی معرفت‌شناختی تازه‌ای برای علم طب ارائه کرد که در آن حس، عقل و الهام الهی سه رکن مکمل شناخت باشند؟ این پرسش، تلاشی است برای پی‌ریزی مبانی نظری «طب قرآنی» در سطح معرفت‌شناسی، به‌گونه‌ای که بتواند میان داده‌های تجربی و هدایت وحیانی پیوند برقرار سازد.

هدف تحقیق حاضر، تبیین مبانی معرفت‌شناسی طب از منظر قرآن کریم و استخراج ساختاری نظری است که بتواند مبنایی برای علم پزشکی دینی و انسانی فراهم آورد. نوآوری پژوهش در این است که برای نخستین بار، مدل سه‌سطحی معرفت پزشکی قرآنی پیشنهاد می‌شود: سطح اول، تجربه و مشاهده حسی؛ سطح دوم، تعقل و تحلیل مفهومی؛ و سطح سوم، الهام و اشراق ربانی. این سه سطح نه در تقابل، بلکه در تعامل و تکمیل یکدیگرند و مجموعاً معرفتی توحیدی از انسان و سلامت پدید می‌آورند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ج ۱، صص ۷۵-۷۷؛ حیدری، ۱۴۰۰: ص ۶۴).

از منظر کاربردی، چنین رویکردی می‌تواند زمینه‌ساز تحول در نگرش به آموزش و پژوهش پزشکی شود و علم طب را از محدودیت حس‌گرایی صرف، به‌سوی معرفتی جامع، الهی و انسان‌مدار هدایت کند. به‌این‌ترتیب، بازخوانی معرفت‌شناسی طب در پرتو قرآن، نه صرفاً تلاشی تفسیری، بلکه گامی

معنوی پرداخته و وارد تحلیل معرفت‌شناختی طب یا مقایسه تجربه حسی و الهام الهی در حوزه پزشکی نمی‌شود. در زمینه مطالعات قرآنی مرتبط با سلامت، مقاله **علم الهدی (۱۳۹۸)** با عنوان «سلامت و بیماری از منظر قرآن کریم» در مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، به تحلیل آیات مربوط به سلامت و درمان پرداخته و نتیجه می‌گیرد که قرآن نگرشی کل‌نگر و توحیدی به بدن و روان انسان دارد. با این حال، این پژوهش نیز فاقد تحلیل معرفت‌شناختی است و بیشتر بر محتوای آیات متمرکز است تا بر مبانی شناختی و فلسفی آن‌ها. در مطالعات خارجی نیز پژوهش‌هایی با رویکرد فلسفه علم پزشکی انجام شده است. به‌عنوان نمونه:

Zahra & Khan (2018) در مقاله *Epistemological Foundations of Islamic Medicine* در *Journal of Islamic Studies and Health*، تلاش کرده‌اند مبانی معرفت‌شناختی طب اسلامی را از منظر قرآن و سنت استخراج کنند. نویسندگان معتقدند معرفت پزشکی در اسلام ترکیبی از تجربه حسی و الهام وحیانی است؛ با این حال، چارچوب نظری منسجمی برای این ترکیب ارائه نکرده‌اند.

همچنین Nasr & Arjomand (2020: p.28) در مقاله *Sacred Knowledge and Modern Medicine* در *Journal of Islamic Thought*، ضمن نقد علم مدرن، بر بازخوانی طب از منظر معرفت قدسی تأکید کرده‌اند. هرچند پژوهش آنان از لحاظ فلسفی غنا دارد، اما به دلیل رویکرد کلان‌نگر خود، فاقد تحلیل معرفت‌شناختی قرآن‌محور در سطح آیات است. بر اساس آنچه گفته شد می‌توان گفت: پژوهش‌های داخلی بیشتر به تبیین مبانی معرفت‌شناسی قرآن یا مفاهیم سلامت در قرآن پرداخته‌اند، نه به معرفت‌شناسی طب به‌عنوان یک نظام شناختی مستقل. مقالات بین‌المللی درباره فلسفه طب اسلامی، هرچند به پیوند میان حس و وحی اشاره دارند، اما فاقد تبیین تفصیلی از فرایند معرفت در قرآن هستند.

در جهت بازسازی مبانی فلسفی و معرفتی علم پزشکی در چارچوب جهان‌بینی اسلامی است (نصر، ۱۹۸۱: صص ۹۰-۹۵). در بخش بعدی پژوهش سعی شده است به پیشینه پژوهش پرداخته گردد تا نوآوری و تمایز این تحقیق نسبت به سایر تحقیق‌ها روشن گردد.

## ۲. پیشینه تحقیق

مطالعه پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود در حوزه ارتباط میان معرفت‌شناسی و طب قرآنی، عمدتاً در قالب مقالات نظری و تحلیلی انجام شده و تاکنون چارچوبی جامع و نظام‌مند در این زمینه ارائه نگردیده است. اغلب این تحقیقات یا به تحلیل معرفت‌شناسی قرآنی در کلیت آن پرداخته‌اند، یا بر نسبت کلی علم و دین متمرکز بوده‌اند و کمتر اثری به تبیین معرفت پزشکی در پرتو قرآن اختصاص یافته است.

اسدی نسب در کتابی (۱۴۰۳) با عنوان «مبانی قرآن شناختی علم دینی: با تأکید بر علوم انسانی اسلامی» در مجله اندیشه نو در الهیات اسلام سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ضمن نقد معرفت‌شناسی تجربی غرب، بر ضرورت بازسازی علم بر اساس سه منبع معرفتی قرآن یعنی حس، عقل و وحی تأکید می‌کند. با این حال، پژوهش وی در سطح نظری باقی مانده و کاربرد آن در حوزه علم طب و روش‌شناسی پزشکی تبیین نشده است.

**یوسفی و همکاران (۱۳۹۸)** در مقاله‌ای با عنوان «مبانی سلامت معنوی در قرآن در دوماهنامه علمی - پژوهشی فیض، این پژوهش سلامت معنوی را یکی از ابعاد بنیادین سلامت انسان دانسته و با تحلیل آیات قرآن نشان می‌دهد که ساحات ادراکی مانند قلب، ایمان، الهام و هدایت الهی نقش مهمی در شکل‌گیری سلامت و درمان دارند. این مقاله به‌طور غیرمستقیم بُعد معنوی معرفت در حوزه طب را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که سلامت و درمان در عقلانیت قرآنی تنها یک فرایند زیستی نیست. با وجود این، مقاله صرفاً به سلامت

## معرفت شناختی طب در قرآن؛ از تجربه‌گرایی حسی تا الهام الهی

از این رو، پژوهش حاضر برای نخستین بار با رویکردی متمرکز، مدل معرفتی سه‌سطحی (حسی، عقلی و الهامی) را در نسبت با آیات قرآن درباره طب استخراج و تحلیل می‌کند و بر این اساس، نوآوری این مقاله در ارائه چارچوب معرفت‌شناسی قرآنی طب است؛ چارچوبی که می‌تواند شکاف میان پژوهش‌های فلسفی، تفسیری و پزشکی را پوشش دهد و مبنایی برای بازتعریف علم پزشکی در افق معرفت و حیانی فراهم آورد.

### ۳. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به تحلیل معرفت‌شناختی طب در قرآن، لازم است مفاهیم بنیادین این پژوهش از منظر فلسفی و قرآنی روشن گردد؛ زیرا هر یک از این مفاهیم دارای پیش‌فرض‌های معرفتی خاصی هستند که تبیین درست آن‌ها، مسیر تفسیر آیات را هدایت می‌کند، از این رو در این بخش از پژوهش به تبیین مفاهیم می‌پردازیم.

### ۱-۳. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی در اصطلاح فلسفی، شاخه‌ای از فلسفه است که به مطالعه ماهیت، منشأ، امکان و حدود شناخت می‌پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۲۱). در سنت فلسفه اسلامی، معرفت نه صرفاً محصول ادراکات حسی، بلکه فرآیندی مرکب از ادراک حسی، تعقل و اشراق قلبی دانسته شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۱۰۲). در قرآن، مفهوم معرفت غالباً با واژگانی چون علم، فهم و بصیرت بیان می‌شود که هر یک ناظر به مرتبه‌ای از شناخت است؛ چنان‌که آیه «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمِكُمُ اللَّهُ» (بقره: ۲۸۲) نشان می‌دهد معرفت‌نهایی در افق تقوا و هدایت الهی حاصل می‌شود. از این رو، معرفت‌شناسی قرآنی را می‌توان نظامی چندسطحی دانست که در آن عقل و حس در خدمت هدایت الهی قرار می‌گیرند.

### ۲-۳. طب قرآنی

واژه «طب» در اصل به معنای اصلاح، بهبود و بازگرداندن

توازن است و در متون اسلامی شامل مراقبت از جسم و همچنین سلامت روح و روان می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ص ۳۴۲). در دیدگاه قرآنی، طب تنها محدود به جنبه‌های تجربی و فیزیکی نیست، بلکه ناظر به سلامت انسان در ارتباط با ایمان، اخلاق، رفتار درست و تعادل روانی است. همان‌گونه که در آیه «وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ» (اسراء: ۸۲) آمده، شفا جنبه‌ای معنوی و وجودی دارد و فراتر از درمان صرف علائم جسمانی مطرح می‌شود؛ بنابراین، طب قرآنی دانشی جامع است که سلامت انسان را از طریق ترکیب وحی، عقل، تجربه و الهام بررسی می‌کند و شناخت دقیق آن نیازمند تلفیق منابع حسی، استدلال عقلانی و هدایت معنوی است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۸۱۷). چنین رویکردی، پزشکی را از نگاه صرفاً فنی و تجربی فراتر برده و آن را در افق توحیدی، اخلاق‌مدار و جامعیت‌بخش قرار می‌دهد.

### ۳-۳. تجربه‌گرایی حسی

تجربه‌گرایی دیدگاهی است که منشأ همه شناخت‌ها را حس و تجربه بیرونی می‌داند. این دیدگاه در فلسفه غرب با اندیشمندانی چون لاک و هیوم تبیین شد: (Locke, 1690: p.25). Hume, 1748: p.32 هر چند تجربه‌گرایی نقشی اساسی در پیشرفت علوم تجربی داشته است، اما از منظر معرفت‌شناسی اسلامی، اگر حس از هدایت عقل و وحی جدا شود، شناخت به سطحی ناقص و محدود فروکاسته می‌شود (اسدی نسب، ۱۴۰۳: ص ۵۶). در قرآن، حس به‌عنوان ابزاری برای مشاهده آیات الهی مطرح است («قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، یونس: ۱۰۱)؛ اما اعتبار آن زمانی است که در افق هدایت الهی قرار گیرد؛ بنابراین، تجربه در قرآن مقدمه معرفت است نه تمامیت آن.

### ۴-۳. الهام الهی

الهام در لغت به معنای افکندن در دل است و در اصطلاح قرآنی، نوعی آگاهی درونی و هدایت خاص است که از سوی

خداوند در قلب انسان یا دیگر موجودات افاضه می‌شود؛ همانند آیه شریفه: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَىٰ النَّجْلِ» (نحل: ۶۸). این نوع معرفت، ماهیتی غیرحسی و غیرعقلی دارد و در مرتبه‌ای فراتر از تجربه و استدلال عقلانی قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۲، ص ۴۵). در معرفت‌شناسی قرآنی، الهام به‌عنوان مکمل عقل و حواس عمل می‌کند و به انسان کمک می‌کند تا شناخت خود را فراتر از تحلیل‌های صرف علمی یا مشاهدات تجربی توسعه دهد. در حوزه طب قرآنی، نقش الهام، علاوه بر جهت‌دهی معنوی، شامل هدایت علمی و اخلاقی در به‌کارگیری دانش پزشکی در مسیر خیر، شفاف‌بخشی و رحمت الهی است و انسان را به رعایت موازین الهی در درمان و حفظ سلامت جسم و روح فرامی‌خواند (Nasr & Arjomand, ۲۰۲۰: p.۲۸). الهام، به‌این‌ترتیب، یک پل میان دانش تجربی، عقل و معنویت ایجاد می‌کند و استفاده از علوم پزشکی را در افق توحیدی و اخلاق‌مدار قرار می‌دهد.

### ۳-۵. وحی و عقل در شناخت

در قرآن، وحی منشأ نهایی و مطلق معرفت حقیقی به شمار می‌رود و عقل نقش ابزاری برای فهم و درک آن را ایفا می‌کند. قرآن انسان را به تعقل و اندیشیدن فرامی‌خواند («أَفَلَا تَعْقِلُونَ»، بقره: ۴۴)، اما تأکید دارد که عقل بدون هدایت وحی نمی‌تواند به کمال برسد و تنها در پرتو وحی است که تفکر انسان کامل و راهگشا خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۵). از منظر معرفت‌شناسی طب قرآنی، عقل وظیفه دارد داده‌ها و مشاهدات حسی را تحلیل کند و الگوهای علت و معلولی را شناسایی نماید، اما وحی مسیر کاربرد صحیح این دانش را در راستای شفا، حفظ سلامت جسم و روان و رسیدن به کمال انسانی مشخص می‌سازد؛ بنابراین، ترکیب وحی و عقل، ساختار معرفت قرآنی را از تجربه‌گرایی صرف و محدود به حواس متمایز می‌کند و مبنای نظری طب الهی را

شکل می‌دهد. تحلیل مفاهیم فوق نشان می‌دهد که معرفت در قرآن نه صرفاً حسی یا عقلانی، بلکه الهی، هدایت‌محور و اخلاق‌مدار است و هرگونه کاربرد علمی، از جمله علم پزشکی، باید در افق توحیدی و سلامت‌محور تعریف شود. این رویکرد می‌تواند دانش پزشکی را بازتعریف کرده و آن را از نگاه صرفاً فنی و تجربی به سمت پزشکی جامع، اخلاقی و الهی هدایت کند، به‌گونه‌ای که هم سلامت جسمانی انسان تأمین شود و هم رشد معنوی و اخلاقی او تسهیل گردد.

### ۴. تحلیل مبانی معرفت‌شناسی قرآن در نسبت با شناخت

#### تجربی و علمی

معرفت‌شناسی قرآن کریم از بنیادی‌ترین مباحث در فلسفه اسلامی علم است؛ زیرا قرآن نه‌تنها به منبع و غایت شناخت می‌پردازد، بلکه به روش و مراتب آن نیز اشاره دارد. درحالی‌که در معرفت‌شناسی مدرن، تجربه‌گرایی محور اعتبار شناخت قرارگرفته و علم به مشاهده و آزمون حسی محدود می‌شود (Locke, 1690: p.25; Hume, 1748: p.34)، قرآن کریم با نگاهی جامع، حس را تنها یکی از ابزارهای شناخت می‌داند و آن را در کنار عقل و هدایت الهی قرار می‌دهد. بدین‌ترتیب، قرآن نوعی معرفت‌شناسی چندمنبعی ارائه می‌کند که در آن شناخت، فرایندی از تعامل حس، عقل و الهام الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۱۲۱). در قرآن، معرفت به‌عنوان نوری از جانب خداوند معرفی می‌شود که از طریق ابزارهای طبیعی (حواس)، قوای عقلانی و هدایت معنوی در انسان تجلی می‌یابد. آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۵) نشان می‌دهد که هرگونه معرفت اصیل، پرتویی از نور الهی است و در پرتو آن، حقایق تکوین و تشریح قابل‌درک می‌شود. درعین‌حال، قرآن انسان را به مشاهده و تجربه محسوس نیز دعوت می‌کند: «قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (یونس: ۱۰۱). این آیه، حس را راهی مشروع برای درک آیات آفاقی معرفی می‌کند؛ بنابراین، تجربه حسی در قرآن نه‌تنها

## معرفت شناختی طب در قرآن؛ از تجربه‌گرایی حسی تا الهام الهی

نفی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان مقدمه‌ای برای شناخت عقلی و الهی به رسمیت شناخته شده است.

با وجود این، قرآن کریم میان «مشاهده تجربی» و «بصیرت معرفتی» تفاوت قائل است. مشاهده صرفاً حسی اگر با تعقل و هدایت همراه نباشد، به ادراک ظاهری محدود می‌شود و از درک حقیقت عاجز می‌ماند. چنان‌که در آیه «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا» (اعراف: ۱۷۹) تصریح شده است که ابزار حسی بدون هدایت عقل و قلب، کارکرد حقیقی خود را از دست می‌دهد. از منظر معرفت‌شناسی قرآنی، عقل وظیفه تحلیل داده‌های حسی را دارد و وحی مسیر نهایی فهم را هدایت می‌کند. به تعبیر علامه طباطبایی (۱۳۶۳: ج ۱۲، ص ۴۵)، شناخت قرآنی حرکتی از ظاهر به باطن و از حس به وحی است؛ نه برعکس.

یکی از مبانی اساسی معرفت‌شناسی قرآن، پذیرش مراتب سه‌گانه شناخت است: حسی، عقلی و الهامی. این مراتب در کنار یکدیگر عمل می‌کنند و حذف هر یک، شناخت را ناقص می‌سازد. مرتبه نخست، ادراک حسی است که انسان از طریق حواس پنج‌گانه با جهان پیرامون ارتباط برقرار می‌کند. این مرتبه بستر علم تجربی است. مرتبه دوم، عقل است که داده‌های حسی را تفسیر، تحلیل و تعمیم می‌دهد؛ و مرتبه سوم، الهام الهی یا وحی است که معرفت را از سطح ظن و گمان به یقین و هدایت می‌رساند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۷۶). در این نظام، علم تجربی در مرتبه نخست قرار دارد و ارزش آن در گرو ارتباطش با مراتب بالاتر است. به بیان دیگر، تجربه علمی در قرآن ابزار است نه غایت؛ و هنگامی معنا می‌یابد که در خدمت حکمت الهی و غایت توحیدی باشد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۸۱۸).

از منظر کاربردی، این مبانی تأثیر مستقیمی بر شناخت پزشکی دارند. طب مدرن بر پایه تجربه و آزمون بنا شده و عموماً از عقل فلسفی و الهام قدسی جداست؛ درحالی‌که در نگاه قرآنی،

شناخت طبی نیز بخشی از شناخت کلی انسان از نظام آفرینش است. قرآن، بیماری و شفا را نه صرفاً فرآیندهای فیزیولوژیک، بلکه نمودهایی از تعامل میان بدن، نفس و ایمان می‌داند («وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ»، اسراء: ۸۲). از این منظر، پزشک باید افزون بر مشاهده و آزمایش، به هدایت عقل و الهام الهی نیز توجه کند تا معرفت او به سلامت انسان جامع و نجات‌بخش باشد. (Nasr & Arjomand, 2020: p.29)

در معرفت‌شناسی غربی، عقل و وحی دو حوزه جدا تلقی می‌شوند و تجربه تنها معیار اعتبار علم است؛ اما در معرفت‌شناسی قرآنی، وحی و عقل در پیوندی ارگانیک قرار دارند: وحی، عقل را هدایت می‌کند و عقل ابزار فهم وحی است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ص ۱۳۰). این تعامل، مبنای نظری «علم دینی» و به‌ویژه «طب قرآنی» است. بر این اساس، علم پزشکی نیز باید از سطح تجربه صرف عبور کرده و به مرتبه عقلانی الهی برسد تا بتواند انسان را به سوی سلامت حقیقی، یعنی تعادل مادی و معنوی، هدایت کند.

حاصل سخن آن‌که معرفت‌شناسی قرآن در نسبت با شناخت تجربی، نه در مقام نفی تجربه، بلکه در جهت تکمیل آن است. قرآن تجربه را شرط لازم معرفت می‌داند اما کافی نمی‌شمارد؛ زیرا بدون عقل و وحی، تجربه از معنا تهی و از غایت الهی جدا می‌شود. از این رو، مبانی معرفت‌شناسی قرآن با تأکید بر مراتب سه‌گانه شناخت، الگویی جامع و انسان‌محور برای علم و به‌ویژه طب ارائه می‌دهد که می‌تواند شکاف میان تجربه‌گرایی مدرن و جهان‌بینی توحیدی را پر کند.

### ۵. تحلیل آیات قرآن مرتبط با سلامت و شفا از منظر منابع

#### معرفت (حس، عقل و وحی)

قرآن کریم در تبیین مفهوم سلامت و شفا، نگاهی چندلایه و معرفت‌شناسانه دارد که بر پیوند میان حس، عقل و وحی استوار است. در این رویکرد، سلامت نه صرفاً پدیده‌ای زیستی، بلکه فرآیندی شناختی و معنوی است که از تجربه حسی آغاز، با

تعقل تکمیل و با وحی الهی به کمال می‌رسد.

## ۵-۱. سلامت و تجربه حسی: مشاهده به عنوان مدخل

### شناخت

در لایه اول معرفت، قرآن انسان را به مشاهده پدیده‌های طبیعی دعوت می‌کند تا از طریق حس، به فهم نظم آفرینش برسد. در آیه «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴) انسان مأمور به نگرستن تجربی در فرایند تغذیه می‌شود؛ این نگاه، اساس روش تجربی در شناخت بدن و سلامت را می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۳). همچنین آیه «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات: ۲۱) به ادراک درونی اشاره دارد؛ یعنی شناخت سلامت از درون انسان آغاز می‌شود و تجربه حسی دریچه‌ای به سوی معرفت الهی است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷: ص ۹۰). بدین ترتیب، حس نخستین منبع معرفت در طب قرآنی است و زمینه پیدایش علم تجربی پزشکی را فراهم می‌آورد.

## ۵-۲. عقل و تبیین علی سلامت: تعقل در نظم آفرینش

در مرحله دوم، قرآن عقل را ابزار تبیین علی و قانون‌مند پدیده‌های مشاهده‌شده معرفی می‌کند. آیه «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران: ۱۹۰) دعوتی است به تعقل در نظام آفرینش و کشف قوانین حاکم بر توازن بدن و طبیعت. عقل در این معنا، واسطه میان تجربه و ایمان است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۷۵). از نظر شهید مطهری (۱۳۷۴: ص ۲۱۵)، معرفت عقلی مرحله تکمیل تجربه است، زیرا به درک نسبت میان پدیده‌ها و سنن الهی می‌انجامد. از این رو، طب قرآنی تنها علم مشاهده نیست، بلکه عقل را در فرآیند فهم سلامت به کار می‌گیرد تا قوانین الهی بدن را بشناسد.

## ۵-۳. وحی و الهام: هدایت نهایی در مسیر درمان

در مرتبه سوم معرفت، قرآن وحی را منبع نهایی شناخت و شفا می‌داند. آیه «وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»

(اسراء: ۸۲) این آیه بیانگر این است که وحی، سرچشمه شفا و هدایت است؛ یعنی درمان حقیقی زمانی حاصل می‌شود که معرفت تجربی و عقلانی در پرتو وحی جهت‌گیری یابد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۲، ص ۴۵).

آقای نراقی نیز در تحلیل نقش وحی در شناخت طبی، بر این نکته تأکید می‌کند که وحی نه صرفاً منبعی تبعیدی، بلکه «هدایتگر عقل و تجربه» است (نراقی، ۱۴۰۲: ص ۶۱). او معتقد است که در مدل قرآنی، وحی با حفظ استقلال عقل و حس، مسیر کشف حقیقت را از انحراف حفظ می‌کند. همچنین آیه «أَوْحِيَ رَبُّكَ إِلَى النَّجْلِ» (نحل: ۶۸) نمونه‌ای از الهام الهی در نظام طبیعت است که منجر به تولید ماده‌ای شفاف‌بخش می‌شود؛ بدین معنا که وحی در کل هستی جاری است و الهام الهی در فرآیند شناخت و درمان نیز نقش دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۷؛ نراقی، ۱۴۰۲: ص ۶۵).

## ۵-۴. تعامل سه‌گانه معرفت در نظام طب قرآنی

قرآن الگویی از معرفت ارائه می‌کند که در آن حس، عقل و وحی نه در تعارض، بلکه در تعامل و تکمیل یکدیگرند. حس آغازگر شناخت است، عقل تبیین‌کننده آن و وحی هدایتگر نهایی مسیر درمان. نراقی (۱۴۰۲: ص ۶۸) این ساختار را «نظام هدایت معرفتی» می‌نامد، نظامی که در آن تجربه‌گرایی بدون وحی ناقص و ایمان بدون عقل، ناکارآمد است. بر این اساس، طب قرآنی معرفتی جامع از سلامت ارائه می‌دهد که در آن درمان، بازگرداندن هماهنگی میان جسم، عقل و روح در پرتو وحی الهی است. (Nasr & Arjomand, ۲۰۲۰: p.۳۰) چنین نگرشی می‌تواند مبنای نظری جدیدی برای پیوند علم پزشکی با الهیات قرآنی فراهم سازد.

## ۶. نقد مبانی تجربه‌گرایی حسی در علم طب از دیدگاه

### معرفت‌شناسی قرآنی

تجربه‌گرایی حسی یکی از مهم‌ترین مبانی معرفت‌شناسی علم مدرن است که بر محور مشاهده، آزمایش و استقرار شکل گرفته

## معرفت شناختی طب در قرآن؛ از تجربه‌گرایی حسی تا الهام الهی

است. در فلسفه جدید غرب، (جان لاک p.25: ۱۶۹۰ و دیوید هیوم p.32: ۱۷۴۸) بنیان‌گذاران این نگرش محسوب می‌شوند. آنان بر این باورند که تمامی معرفت معتبر از تجربه حسی ناشی می‌شود و ذهن انسان در آغاز، همانند «لوحی سفید» است که تنها با داده‌های حسی پر می‌گردد. این رویکرد در قرون نوزدهم و بیستم مبنای معرفتی علوم تجربی از جمله پزشکی قرار گرفت و با گسترش پوزیتیویسم، تجربه را معیار انحصاری اعتبار علمی دانست. (Zahra & Khan, 2018: p.42)

### ۶-۱. محدودیت‌های معرفت‌شناختی تجربه‌گرایی در علم طب

هر چند تجربه‌گرایی توانست علم طب را از خرافات و استنباطات غیرعلمی جدا سازد، اما از دید معرفت‌شناسی قرآنی، گرفتار نوعی تقلیل‌گرایی معرفتی است. این نگرش، انسان و بدن را به داده‌های قابل‌مشاهده و اندازه‌گیری تقلیل می‌دهد و از ابعاد عقلانی و روحی غافل می‌ماند (نراقی، ۱۴۰۲: ص ۵۸). قرآن کریم با رد انحصار حس در شناخت می‌فرماید: «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا» (اعراف: ۱۷۹) یعنی حس بدون فهم عقلی و هدایت وحی، به ادراک حقیقی نمی‌انجامد. این آیه، نقص معرفت حسی صرف را در کشف حقیقت سلامت و بیماری نشان می‌دهد. مطابق با تحلیل جوادی آملی (۱۳۹۵: ص ۱۲۴)، حس ابزار شناخت است اما نه معیار نهایی آن؛ زیرا تجربه به‌خودی‌خود تنها «صورت محسوس» پدیده‌ها را درک می‌کند، نه حقیقت و غایت آن‌ها. از این منظر، علم طب در چارچوب صرفاً تجربی، از تبیین نهایی پدیده‌هایی چون حیات، مرگ و شفا ناتوان است.

در معرفت‌شناسی قرآنی، عقل و وحی دو رکن مکمل تجربه‌اند. عقل، داده‌های حسی را تفسیر و نظام‌مند می‌کند و وحی، جهت‌غایی و اخلاقی آن را مشخص می‌سازد. قرآن در آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ» (محمد: ۲۴) دعوت به تعقل و تدبر می‌کند و این بدان معناست که شناخت

حسی باید با تفسیر عقلانی و الهی همراه گردد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۷۷). مطهری (۱۳۷۴: ص ۲۱۸) بر این باور است که علم تجربی بدون هدایت وحی، تنها به شناخت چگونگی‌ها می‌رسد، نه چرایی‌ها؛ درحالی‌که وحی می‌تواند به عقل جهت دهد و از نسبی‌گرایی معرفتی جلوگیری کند. از این رو، در طب قرآنی، تجربه باید در پرتو عقل و وحی فهم شود تا به معرفت حقیقی سلامت و بیماری بینجامد.

### ۶-۲. پیامدهای معرفتی تجربه‌گرایی صرف در پزشکی

نراقی تجربه‌گرایی صرف را موجب انقطاع معرفتی از غایت وجود انسان می‌داند. (نراقی، ۱۴۰۲: ص ۶۶) وی معتقد است که تقلیل طب به روش‌های حسی، موجب بی‌توجهی به ارتباط سلامت جسم و روح می‌شود و علم طب را از رسالت اخلاقی و توحیدی خود دور می‌سازد.

خداوند در قرآن کریم، انسان را ترکیبی از جسم، عقل و روح می‌داند، بنابراین شناخت سلامت باید در سه ساحت صورت گیرد. تجربه‌گرایی محض با نادیده گرفتن دو ساحت عقل و روح، به معرفتی ناقص و ابزاری منجر می‌شود و به همین دلیل قرآن شفا را نه صرفاً به دارو و تجربه، بلکه به ایمان و ارتباط با وحی نسبت می‌دهد: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ» (اسراء: ۸۲) این آیه نشان می‌دهد که شفا در نگاه قرآنی حاصل تعامل معرفت تجربی و هدایت الهی است.

حاصل سخن اینکه، معرفت‌شناسی قرآنی تجربه‌گرایی حسی را به کلی رد نمی‌کند، بلکه آن را در جایگاه نخستین و محدود خود می‌پذیرد. حس آغاز شناخت است، اما عقل تفسیرگر آن و وحی هدایتگر آن است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۸)؛ بنابراین، نقد قرآن بر تجربه‌گرایی، نقد انحصار حس در معرفت است، نه نفی تجربه به‌عنوان روش علمی. پس می‌توان گفت قرآن کریم معرفت را منحصر در تجربه نمی‌داند و با تلفیق سه منبع حس، عقل و وحی، نوعی تجربه‌گرایی هدایت‌شده ارائه می‌کند که می‌تواند مبنای نظری علم پزشکی در چارچوب توحیدی باشد

(Nasr & Arjomand, 2020: p.32) در چنین نگاهی، علم پزشکی نه تنها دانش بدن، بلکه دانشی درباره نسبت انسان با حقیقت الهی است؛ معرفتی که از مشاهده حسی آغاز می‌شود و در نور وحی به کمال می‌رسد.

### ۷. الگوی سه‌سطحی معرفت‌شناسی طب قرآنی

بر مبنای تحلیل آیات قرآن و مبانی فلسفه اسلامی، می‌توان نظام معرفت در قرآن را ساختاری سه‌سطحی دانست که شامل حس، عقل و وحی به‌عنوان منابع مکمل شناخت است. این سه سطح نه در تعارض، بلکه در تعامل و تکامل نسبت به یکدیگر قرار دارند و در مجموع، چارچوبی معرفتی برای علم طب در نگرش قرآنی تشکیل می‌دهند.

مدل پیشنهادی و نوآوری نگارنده در پژوهش حاضر، تلاش می‌کند این سه سطح را در قالب یک نظام معرفتی هماهنگ برای تبیین شناخت پزشکی ارائه دهد.

۱. سطح نخست: معرفت حسی (پایه تجربی علم طب)، در این سطح، حس و تجربه مستقیم ابزار اولیه شناخت پدیده‌های زیستی و فیزیولوژیکی محسوب می‌شوند. قرآن کریم در آیات متعددی همچون «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس: ۲۴) و «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (ذاریات: ۲۱)، انسان را به مشاهده حسی و تجربه مستقیم دعوت می‌کند. در طب قرآنی، حس مرحله گردآوری داده‌ها و شناخت علائم طبیعی بدن است که می‌تواند مبنای مشاهده و آزمایش در علم پزشکی باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ص ۱۲۲).

از دیدگاه فلسفه اسلامی، این مرحله متناظر با ادراک حسی و تجربی است که ماده اولیه شناخت را فراهم می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۷۵). در نتیجه، معرفت حسی در الگوی قرآنی نه نفی می‌شود و نه مطلق تلقی، بلکه پایه معرفت است که باید در پرتو عقل و وحی هدایت گردد.

۲. سطح دوم: معرفت عقلی (تحلیل و تبیین علی) در مرتبه دوم، عقل به‌عنوان نیروی استنتاجی و تحلیلی وارد عمل

می‌شود. قرآن در آیه «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران: ۱۹۰)، تعقل را ابزار فهم سنن الهی در طبیعت معرفی می‌کند. در این سطح، عقل داده‌های حسی را نظام‌مند کرده و روابط علی و ساختارمند میان بدن، روح و جهان را کشف می‌کند. مطهری (۱۳۷۴: ص ۲۱۵) عقل را «تداوم حس در افق معنا» می‌داند و معتقد است که علم تجربی بدون هدایت عقل، دچار جزئی‌نگری و خطا در استنتاج می‌شود. در طب قرآنی، عقل نقشی اساسی در فهم نسبت میان پدیده‌های طبیعی (علت و معلول‌های جسمی) و قوانین الهی دارد؛ مثلاً در شناخت عوامل تغذیه، سلامت روان، یا تعادل زیستی بدن. این سطح همان مرحله نظریه‌پردازی در معرفت پزشکی قرآنی است که از حس فراتر رفته و به تبیین فلسفی و علی می‌رسد.

۳. سطح سوم: معرفت وحیانی (هدایت الهی در شناخت و درمان)، در مرتبه سوم، معرفت وحیانی به‌عنوان کامل‌ترین سطح شناخت مطرح می‌شود. وحی در این مدل، صرفاً منبع دینی نیست بلکه نقش هدایتی و اصلاحی در مسیر عقل و حس دارد. در آیه «وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (اسراء: ۸۲)، شفا به قرآن نسبت داده شده است؛ یعنی وحی منشأ معرفتی است که جهت درمان جسم و روح را مشخص می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۱۲، ص ۴۵). به اعتقاد آقای نراقی (۱۴۰۲: ص ۶۲-۶۵)، وحی در معرفت طبی نقش «ناظر معرفتی» را دارد؛ یعنی عقل و حس را در مسیر صحیح شناخت هدایت کرده و از انحراف در تبیین علل بیماری یا درمان جلوگیری می‌کند. این سطح در حقیقت بُعد غایی معرفت است که در آن، علم پزشکی معنا و جهت الهی خود را می‌یابد. پس در اینجا می‌توان گفت، معرفت وحیانی در این مدل، سطح نهایی شناخت است که در آن عقل و حس در پرتو هدایت الهی به وحدت معرفتی می‌رسند.

مدل سه‌سطحی معرفت‌شناسی طب قرآنی را می‌توان به‌صورت



## معرفت شناختی طب در قرآن؛ از تجربه‌گرایی حسی تا الهام الهی

«هرم معرفتی» ترسیم کرد که در آن حس در قاعده، عقل در میانه و وحی در رأس قرار دارد. حس ابزار مشاهده، عقل ابزار تحلیل و وحی ابزار هدایت است. در این نظام، هر سطح بدون دیگری ناقص است: تجربه بدون عقل کور است، عقل بدون وحی بی جهت و وحی بدون تجربه، فاقد تجلی در عرصه علمی و عملی خواهد بود (نصر و ارجمند، ۲۰۲۰: ۳۱)؛ بنابراین، این الگو می‌تواند مبنایی برای بازخوانی علم پزشکی در پرتو جهان‌بینی توحیدی باشد؛ الگویی که هم تجربه‌گرایی مدرن را تصحیح می‌کند و هم به معرفت قدسی معنا می‌بخشد.

الگوی سه‌سطحی معرفت‌شناسی طب قرآنی، ترکیبی است از تجربه‌گرایی هدایت‌شده، تعقل فلسفی و الهام وحیانی. این مدل نشان می‌دهد که قرآن، علم را فرایندی تدریجی می‌داند که از مشاهده محسوس آغاز می‌شود، در تعقل فلسفی عمق می‌یابد و در وحی الهی معنا و غایت خود را بازمی‌یابد. چنین الگویی می‌تواند مبنایی نوین برای بازسازی فلسفه علم پزشکی اسلامی فراهم آورد.

### ۸. نتیجه

پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی معرفت‌شناسی طب در قرآن و نقد رویکرد تجربه‌گرایی حسی در علم پزشکی انجام شد. یافته‌ها نشان داد که معرفت‌شناسی قرآنی، برخلاف نگرش تجربی صرف، بر وجود سه منبع مکمل شناخت - حس، عقل و وحی - تأکید دارد و معرفت حقیقی را حاصل تعامل این سه ساحت می‌داند. در این چارچوب، تجربه حسی تنها مرحله ابتدایی شناخت است که بدون هدایت عقل و وحی، به درک ناقص و نسبی از حقیقت سلامت و بیماری منتهی می‌شود. تحلیل آیات مرتبط با سلامت و شفا (از جمله شعراء: ۸۰ و اسراء: ۸۲) نشان داد که قرآن، معرفت پزشکی را نه صرفاً دانشی تجربی، بلکه فرآیند الهی و اخلاقی می‌داند که باید در پرتو ایمان و تعقل سامان یابد. از دید قرآن، شفا از آن خداوند است و علم طب، تنها ابزار کشف و به‌کارگیری سنت‌های الهی

در نظام آفرینش است؛ بنابراین، تجربه در نگاه قرآنی نفی نمی‌شود، بلکه در پرتو عقل و وحی به مرتبه تجربه هدایت‌شده ارتقا می‌یابد

در نقد تجربه‌گرایی حسی نیز روشن شد که هرچند تجربه روش معتبری برای شناخت پدیده‌های جسمانی است، اما انحصار آن در معرفت پزشکی، موجب غفلت از ابعاد روحی، اخلاقی و غایی انسان می‌شود معرفت‌شناسی قرآنی با تأکید بر پیوند میان جسم، عقل و روح، الگویی کل‌نگر برای علم طب ارائه می‌دهد که از تقلیل‌گرایی حسی رهاست و با هستی‌شناسی توحیدی هماهنگ است. بدین ترتیب، معرفت پزشکی در قرآن، فرآیندی است از حس تا وحی؛ از تجربه بدن تا ادراک حقیقت انسان. این مدل می‌تواند مبنای نظری برای بازسازی فلسفی علم طب در بستر الهیات اسلامی باشد و در جهت تحقق «علم دینی» در حوزه سلامت به کار رود. درنهایت، مقاله حاضر با تأکید بر ضرورت بازگشت به مبانی معرفتی قرآن در علم طب، نشان می‌دهد که مسیر پیشرفت پزشکی در جهان اسلام تنها با تلفیق تجربه حسی و هدایت الهی به‌سوی معرفتی توحیدی و انسان‌محور امکان‌پذیر است.

11. Zahra, Saima, & Khan, Muhammad Iqbal. (2018). Epistemological Foundations of Islamic Medicine. *Journal of Islamic Studies and Health*, 6(2), 45–63.
12. Nasr, Seyyed Hossein, & Arjomand, Saeed. (2020). Sacred Knowledge and Modern Medicine: Toward an Integrative Epistemology. *International Journal of Islamic Thought*, 9(1), 23–39.
13. Locke, John. (1690). *An Essay Concerning Human Understanding*. London: Thomas Basset.
14. Hume, David. (1748). *An Enquiry Concerning Human Understanding*. Oxford: Clarendon Press.
15. Capra, Fritjof. (1996). *The Web of Life: A New Scientific Understanding of Living Systems*. New York: Anchor Books.
16. Nasr, Seyyed Hossein. (1981). *Knowledge and the Sacred*. Albany: State University of New York Press

## Reference

۱. قرآن کریم.
۲. اسدی نسب، محمدعلی، (۱۴۰۳). مبانی قرآن شناختی علم دینی: با تأکید بر علوم انسانی اسلامی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). تفسیر موضوعی قرآن کریم: عقل و وحی در معرفت (ج ۲). قم: نشر اسراء.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق صفوان عدنان داوودی. دمشق: دارالقلم.
۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. علم الهدی، سید محمدحسن، (۱۳۹۸). سلامت و بیماری معنوی از نظر قرآن، مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، دوره ۳، ش ۱، صص ۱۲-۱.
۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). مجموعه آثار (ج ۶: مبحث شناخت). تهران: صدرا.
۸. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). آموزش فلسفه اسلامی (ج ۱). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۹. نراقی، احمد. (۱۴۰۲). «نقد تجربه‌گرایی حسی در معرفت‌شناسی دینی». فصلنامه فلسفه دین و الهیات تطبیقی، ۱۵ (۲)، ۷۲-۵۵.
۱۰. یوسفی، حبیب‌الله، عبدالکریمی نطنزی، مرضیه، نسائی، حسین، (۱۳۹۸). مبانی سلامت معنوی در قرآن در دو ماهنامه علمی - پژوهشی فیض، دوره بیست و سوم، شماره ۷، زمیمه، ۱۳۹۸، صص ۸۱۹-۸۱۳.

## The Epistemology of Medicine in the Qur'an: From Sensory Empiricism to Divine Inspiration

Zeinab Darvishi \*

### Abstract

The present study aims to reexamine the epistemological foundations of medical science from the perspective of the Holy Qur'an by investigating the relationship between sensory empiricism and divine inspiration in the process of medical knowledge acquisition. In the contemporary world, medicine is largely grounded in empiricism and sensory observation, deriving its epistemic validity from experimental data. In contrast, the Qur'an, by presenting a monotheistic view of the world and the human being, does not confine the sources of knowledge to the external senses alone, but also recognizes higher faculties of cognition—such as reason, the heart, and divine inspiration—as effective in the discovery of truth. Accordingly, medical knowledge in the Qur'anic worldview is not merely an empirical form of knowledge, but a multi-layered process that gains meaning through its connection with divine guidance and monotheistic knowledge.

This research adopts a descriptive-analytical method and employs conceptual analysis of Qur'anic verses related to knowledge, healing, and inspiration (such as Q. 16:68; 26:80; 96:4-5; and 8:29). The findings indicate that within the Qur'anic epistemic framework, sensory perception functions as the initial instrument of knowledge, while the ultimate validity of knowledge depends on divine guidance and correction. The originality of this article lies in proposing a “three-level model of Qur'anic medical epistemology,” consisting of: (1) sensory experience and natural observation, (2) rational reflection and conceptual analysis, and (3) divine inspiration and illumination. This model can provide a theoretical foundation for the development of “religious medicine” and for redefining the role of the human being in the healing process through the integration of reason and revelation.

**Keywords:** Divine Inspiration; Empiricism; Epistemology; Qur'anic Medicine; Reason and Heart.

1. \*(corresponding author), Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Ahv.C, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.  
zinab455@iau.ac.ir